

## ما با دیکتاتوری، تجاوز امپریالیستی و داعش پیکار می‌کنیم!

### بیانیه‌ی مشترک شماری از سازمان‌های سوسیالیست و انقلابی

**توضیح:** خاورمیانه بی‌گمان تمامی مولفه‌های بحران‌زدگی جهان کنونی را یک‌جا در خود جمع کرده است. طی قرن بیستم سیطره‌ی هزاران ساله‌ی نمایندگان زمینی خدایان اساطیری بر مردم سرزمین‌هایی که اینک «خاورمیانه» خوانده می‌شوند، با سیطره‌ی نیروهای جدیدی در آمیخت که عمدتاً رهاورد گسترش امپریالیسم بودند؛ بدین ترتیب نبردی ناتمام برای نخستین‌گام‌های رهایی، در فشار بی‌امان نبردهای نابرابر دیگر ناکام ماند. این چنین است که در خاورمیانه فقر و فلاکت فراگیر سرمایه‌دارانه با بیداد و سرکوب استبداد و شلاق بی‌امان مردسالاری و سنت‌پرستی و توحش بنیادگرایی و آتش جنگ و نفرین کشتار و مرگ و آوارگی به طرز غریبی درهم تنیده‌اند؛ و هم‌زمان ماشین‌های نظامی و آپاراتوس‌های کنترل-سرکوب دولت‌های ارتجاعی منطقه به آخرین فناوری‌های روز مجهزند و بخش‌هایی در درون این جوامع به بازار پر زرق و برق تولید سرمایه‌دارانه و نمایش‌گاه ستم‌بار «رژیا»های کاپیتالیستی بدل شده‌اند. پیچیدگی وضعیت در خاورمیانه و بحران‌ها و تنش‌های بی‌امان دامن‌گیر آن -به گواهی تاریخی معاصر- نیروهای ترقی‌خواه را اغلب دچار سردرگمی کرده است، چنانچه برای مثال تنها مقابله با بخشی از عوامل این بحران فزاینده‌ی فراگیر و چندلایه را هدف مبارزات خود قرار داده‌اند. شرایط حاد کنونی، یعنی تشدید بحران در سوریه و اعلام بیعت دوباره‌ی قدرت‌های غربی برای «مقابله با تروریسم»، بار دیگر این سردرگمی‌ها را -از جمله در طیف نیروهای ضدسرمایه‌داری- عیان‌تر کرده است و هم‌زمان ضرورت راهجویی برای مبارزات بدیل را نیز آشکار ساخته است. در چنین بستری، متن پیش رو نمونه‌ی امیدبخشی است که نیروهای سوسیالیست را به امکان طرح‌ریزی مبارزاتی فراسوی توهّمات رایج فرامی‌خواند. عزم و هوشیاری این سازمان‌ها را ارج می‌نهمیم و به رشد مبارزات همبسته‌ی رهایی‌بخش امید داریم.

پراکسیس

آذر ۱۳۹۴

ما با دیکتاتوری، تجاوز امپریالیستی و داعش پیکار می‌کنیم؛ ما سیاست «امنیت ملی»، نژادگرایی و سیاست ریاضتی را پس می‌زنیم. اینک زمان بسیج نیروها است!

در ماه‌های اخیر، مردم سراسر خاورمیانه به‌واسطه‌ی تشدید نزاع در سوریه و عراق ضربه خورده‌اند. این وخامت اوضاع، هم توسط قدرت‌های امپریالیستی جهانی به‌ویژه ایالات متحد، روسیه و کشورهای اروپایی، و هم توسط نقش آفرینان امپریالیست منطقه شامل عربستان سعودی، قطر، ترکیه و ایران رقم خورده است. این نزاع‌ها محصول دو شکل متمایز از ضد-انقلاب است: در یک سو دیکتاتوری‌های منطقه و رژیم‌های ضد-انقلاب، و در سوی دیگر نیروهای ارتجاعی اسلامی همچون داعش. عزم قدرت‌های اصلی بین‌المللی و منطقه‌ای برای تحمیل هژمونی سیاسی و اقتصادی خود بر منطقه نیز علتی مرکزی برای تراژدی کنونی است.

در سوریه، نخستین شکل تجلی ضد-انقلاب، حمایت از رژیم/اسد است. حملات مرگ‌بار روسیه و مداخله‌ی ایران، حزب‌الله و نظامیان فرقه‌ای عراقی این پروژه‌ی عمیقاً ارتجاعی و ضد-دموکراتیک را با موفقیت پیش می‌برند. خود اسد نیز به‌واسطه‌ی بی‌اعتمادی‌ای که قدرت‌های غربی به‌طور معمول نسبت به نیروهای دموکراتیک و انقلابی در سوریه، از جمله نیروهای کرد، نشان می‌دهند، تغذیه می‌شود.

اهداف اولیه‌ی رژیم/اسد، امپریالیست‌ها و هم‌پیمانان‌شان در منطقه کسانی هستند که برای آینده‌ای دموکراتیک و به‌لحاظ اجتماعی عادلانه پیکار می‌کنند. نیروهای دموکراتیک سوریه هدف [تهاجم] نیروهای اسلامی نیز هستند؛ نیروهای اسلامی‌ای که نقشی ضد-انقلابی برعهده دارند و گاه و بی‌گاه، مستقیم و غیرمستقیم، توسط پادشاهی‌های خلیج و ترکیه حمایت می‌شوند.

زنان همچون همیشه اولین قربانیان جنگ هستند. تجاوز به زنان، ربودن آنها و حتی فروش زنان زائده‌ی دهشتناک این نزاع است.

داعش چیست؟ داعش مخلوقی ست هم حاصل تجاوزهای امپریالیستی بین‌المللی و منطقه‌ای و هم نتیجه‌ی جوهر محصول سرشت فرقه‌ای و دیکتاتوری رژیم‌های منطقه، به‌ویژه در عراق و سوریه. عروج تنش‌های فرقه‌ای در منطقه نیز پیامد چنین ترکیب مهلکی از سرکوب داخلی و تجاوز خارجی است.

حملات اخیر در آنکارا، بیروت، پاریس، کویت، عربستان سعودی و تونس، و حمله به هواپیمای روسی در مصر را بایستی در چنین بستری درک کنیم. این حملات تنها به تقویت اهریمنی می‌انجامد که آن‌ها را ایجاد کرده است: تروریسم دولتی.

لفظی در قالب «جنگ علیه ترور» بیان مادی خود را در اوج‌گیری سیاست‌های اقتدارگرایانه‌ی امنیت دولتی، و در جنگ و نژادگرایی می‌یابد. نژادگرایی، به‌ویژه اسلام‌هراسی، به‌طور تصاعدی افزایش یافته است و به سیاست دولتی در تمام اروپا بدل گشته است. قدرت‌های امپریالیستی از لفظی در قالب مقابله با تروریسم برای مشروعیت‌بخشی به حمایت‌شان از دیکتاتورهای منطقه و محدود کردن آزادی‌ها [در کشورهای خود] بهره برده‌اند، هم‌چنان که دیکتاتورهای منطقه زبان مشابهی را برای دفاع از سرکوب‌گری‌های‌شان به کار بسته‌اند.

اینک، همین بینش جهانی مسلط فرانسه، روسیه، ایالات متحد، ترکیه و رژیم سوریه را به یک‌سان متحد کرده است - اگرچه هر یک منافع خاص خود را می‌جویند - به‌طوری که آن‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حملات‌شان و مانورهای نظامی‌شان را در سوریه با یکدیگر هماهنگ می‌کنند.

امروز دولت فرانسه تحت نام «جنگ علیه تروریسم» به دنبال کسب قدرت برای ایجاد رعب و وحشت است. تحت نام به اصطلاح «ارزش‌های فرانسه» آزادی‌ها مورد تهاجم قرار می‌گیرند. فرانسوا اولاند طی یک یورش اقتدارگرایانه‌ی بی‌مهابا سوریه و عراق را بمباران می‌کند، حال آن‌که همه‌ی این سخن‌سرایی‌ها درباره‌ی جنگ و «ارزش‌های» شریف از پاسخ‌گویی به آرمان‌های سیاسی و اجتماعی طبقه‌ی کارگر فرانسه عاجز هستند. در این حین، مهاجران بی‌کاغذ، پناهندگان، مسلمانان، زنان محجبه، مردم روما، خارجی‌ها و دیگران در معرض آنند که به‌عنوان «دشمنان داخل» قلمداد گردند.

در سراسر خاورمیانه، سرکوب دولتی مخالفان سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در حال افزایش است؛ در مصر و جاهای دیگر، در طی ماه‌های اخیر صدها حکم اعدام صادر شده است.

در مواجهه با سردرگمی و نبود سازمان‌یافتگی در بخش‌های بزرگی از مردم ستم‌دیده، ما باید به‌میانجی ابتکار-عمل‌های سازنده برای رویارویی با این چالش صف‌بندی کنیم. ترجمان عملی چنین درکی آن است که:

- در برابر سیاست‌های ظالمانه بایستیم؛ و از حقوق دموکراتیک همگان دفاع کنیم.

- به موازات مخالفت آشتی‌ناپذیر با دیکتاتوری‌ها و رژیم‌های ضد-انقلاب، در برابر همه‌نوع تجاوز امپریالیستی بایستیم.
  - در برابر کارزار نظامی قدرت‌های غربی در سوریه بایستیم، کارزاری که هم شامل بمباران و سایر [اشکال] مشارکت‌های مستقیم نیروهای نظامی غربی می‌شود، و هم شامل مشارکت مسلحانه‌ی آن دسته از نیروهایی در این نزاع است، که از سوی غرب حمایت و تجهیز می‌شوند.
  - علیه همه‌ی اشکال ضد-انقلاب در خاورمیانه و «مغرب» و در هر جای دیگر، نبرد کنیم.
  - علیه سیاست‌های امنیتی سرکوب‌گرانه، نژادگرایی و سیاست‌های ریاضتی چه در اروپا، و چه در آسیا یا آفریقا مبارزه کنیم.
  - علیه ایجاد دژ اروپا مبارزه کنیم؛ گشوده‌شدن مرزها و شرایط زندگی توأم با کرامت انسانی را برای همه‌ی پناهندگان و مهاجران طلب کنیم.
  - همبستگی‌مان را با مردمی که برای آزادی و رهایی‌بخشی خود در خاورمیانه، مغرب و جای‌جای جهان در حال نبرد هستند، تقویت نماییم.
- در همبستگی با نیروهای دموکراتیک و مترقی ضد-امپریالیست در منطقه‌ی عرب.
- در همبستگی با مردم خاورمیانه و مغرب در مبارزات برحق‌شان برای رهایی و علیه تجاوز خارجی: ما اصرار داریم که رهایی مردم منطقه تنها با عمل خود آنها میسر خواهد بود.

۸ دسامبر ۲۰۱۵

### فهرست سازمان‌های امضاءکننده‌ی بیانیه

- جریان چپ انقلابی [تیار ایسار الثوری] - سوریه  
 جریان رزمنده [تیار المناضل-ة] - مراکش  
 انجمن سوسیالیستی [المنتدی الاشتراکی] - لبنان  
 سوسیالیست‌های انقلابی [الاشتراکیون الثوریون] - مصر  
 لیگ کارگران چپ‌گرا [رابطه‌ الیسار العمالی] - تونس

حزب نوین ضد-سرمایه‌داری (NPA) فرانسه  
 حزب کارگران سوسیالیست (SWP) - بریتانیا  
 سوسیالیسم انقلابی در قرن بیست و یکم (RS21) - بریتانیا  
 ویراستاران، نجات/رهایی‌بخشی [The Editors, Salvage] - بریتانیا  
 لیگ کمونیستی انقلابی - حزب کارگران سوسیالیست (LCR-SAP) - بلژیک  
 همبستگی‌ها [Solidarités] - سوئیس  
 سوسیالیست‌های انقلابی اسکاتلند (ISS) - اسکاتلند  
 سازمان سوسیالیسم انقلابی (ISO) - ایالات متحد  
 بدیل سوسیالیستی - استرالیا  
 سوسیالیست‌های انقلابی - هلند  
 در مبارزه [En lucha-En lluita] - حاکمیت اسپانیا  
 راه نوین به سوی دموکراسی سوسیالیستی - ترکیه  
 رهایی دموکراتیک - مراکش  
 مقاومت سوسیالیستی - بریتانیا  
 ضد-سرمایه‌داری - حاکمیت اسپانیا  
 جنبش دادخواهی لیبی  
 چپ سوسیالیستی بین‌المللی - آلمان  
 حزب کارگران سوسیالیست (بدون مرز) [Grenzeloos] - هلند  
 حزب کارگران سوسیالیست - ایرلند  
 پلتفرم «چپ باز» - روسیه  
 اتحاد سوسیالیسم انقلابی - آلمان  
 مرکز بازنگری سوسیالیستی - کردستان  
 حزب کارگران سوسیالیست انقلابی - ترکیه  
 همبستگی سوسیالیستی با کارگران در ایران (ITSS-France) - فرانسه

منبع: لینک دسترسی به متن اصلی بیانیه به عربی: <http://al-manshour.org/node/6688>

لینک دسترسی به متن بیانیه به انگلیسی: <http://al-manshour.org/node/6689>